

مسئولیت رسانه‌ها در گزارش تروریسم

نویسنده: انجو گراور چودری

ترجمه: حسن نورانی بیدخت

اشاره

مقاله حاضر نگاهی دارد به برخی مسائل کلیدی درباره نقش رسانه‌ها در جنگ علیه تروریسم. مسائلی چون تعارض بین امنیت ملی و آزادی مطبوعات و مسائل عینیت، حقیقت و نیازهای مخاطبان. این مقاله، مسائل یادشده را در بافت پوشش خبری رسانه‌های امریکا از رویدادهای یازدهم سپتامبر مورد بررسی قرار می‌دهد.

در گزارش رویدادهای مربوط به جنگ جهانی جاری علیه تروریسم، گزارشگران و سازمان‌های خبری با احساس مسئولیت فوق‌العاده‌ای جهت تضمین پوشش کلی و تنوع دیدگاه‌ها روبه‌رو هستند. در حالی که جهان برای این جنگ طولانی بدون مرز علیه تروریسم آماده می‌شود، نیاز به کسب اطلاعات دقیق و تحلیل‌های اندیشمندانه بیش از هر زمانی افزایش یافته است.

در عصر جهانی‌سازی، شناخت نقش رسانه‌ها در این بحران جهانی ضروری است. در حالی که امنیت ملی در تقابل با آزادی مطبوعات قرار می‌گیرد، آیا توده مردم اطلاعات کافی برای اتخاذ تصمیمات مناسب دارند؟ آیا رسانه‌ها بدون آن که امنیت ملی را به مخاطره اندازند، اطلاعات لازم را در اختیار توده‌ها قرار می‌دهند؟ آیا رسانه‌ها موضوع تروریسم را با ژرف‌نگری، تعادل، و عینیت

کافی گزارش می‌کنند؟ آیا روزنامه‌نگاران در صدد کشف حقیقت بوده و آن را تا آنجا که ممکن است، کامل پخش می‌کنند؟ آیا روزنامه‌نگاران گزارش‌های خویش را به شیوه‌های درست و مطلوبی به خوانندگان، بینندگان و شنوندگان خود ارائه می‌دهند؟ پاسخ‌های ثابت و مشخصی برای این پرسش‌ها وجود ندارد. ولی گزارش حاضر می‌کوشد تا در بافت پوشش خبری رسانه‌های آمریکا از حملات روز یازدهم سپتامبر به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون، به پرسش‌های بالا پاسخ دهد و در ارتباط با آنچه که یک رسانه مسئول باید در مواقع بروز کشمکش و جنگ در یک دموکراسی ارائه دهد، دیدگاه‌هایی مطرح می‌کند.

عینیت

«عینیت» مستلزم و نیازمند گزارش درست و مبتنی بر واقعیات است؛ همچنین، عینیت نیازمند یک دیدگاه متعادل و بی‌طرفانه است. با وجود این، فرایند روزنامه‌نگاران خود به گونه‌ای است که در خصوص این که چه واقعیات یا رویدادهایی باید گزارش شوند و چه واقعیات یا رویدادهایی باید نادیده انگاشته شده، دغدغه دارند و یا کاملاً کنار گذاشته شوند، در بردارنده تصمیمات ذهنی یا پردازش می‌باشد.

لئوروستن Leo Rosten جامعه‌شناس، در تحقیقات عمده‌ای راجع به خبرنگاران واشنگتن در سال ۱۹۳۷، چنین نتیجه‌گیری کرد: «عینیت در روزنامه‌نگاری همان قدر امکان‌پذیر

■ عینیت مستلزم و نیازمند گزارش درست و مبتنی بر واقعیات است؛ همچنین، عینیت نیازمند یک دیدگاه متعادل و بی‌طرفانه است.

■ عینیت، بیشتر یک تناقض‌گویی است و لذا با یکی از ارزش‌های عمده‌ای که رسانه‌ها بدان ایمان دارند، تناقض پیدا می‌کند.

است که عینیت در رویاها... انگیزه محرک روزنامه‌نگار بیان مطلب است. آنچه که یک روزنامه‌نگار بیان می‌کند، آنچه که وی آن را دارای ارزش بیان تشخیص می‌دهد، و این که چطور آن را بیان می‌کند، محصول نهایی یک میراث اجتماعی... یک ساختار روان‌شناختی علاقه، محاسبه و منع یا بازداری است. (به نقل از Harwood, ۲۰۰۰)

عینیت، بیشتر یک تناقض‌گویی است و لذا با یکی از ارزش‌های عمده‌ای که رسانه‌ها بدان ایمان دارند، تناقض پیدا می‌کند. بن باگدیکیان Ben Baydikian محقق، خاطرنشان ساخت که عینیت یا واقع‌نگری بر ساختگی بودن اخبار تأکید می‌کند. زیرا پی‌گیری بیش از حد ژرف‌نگرانه یک موضوع واحد ممکن است خسته‌کننده بوده یا برخی از مخاطبان را دل‌آزرده سازد. در جهانی که آکنده از ضربه‌ها و کشمکش‌های سیاسی است، عینیت رفته رفته جایگزین ذهنیت می‌شود. به نوشته مایکل کینزلی Michael Kinsley در نسخه اینترنتی واشنگتن پست (۹ نوامبر ۲۰۰۰)، «واقعیت عینی یک تصویر همیشه پس‌رونده است... زیرا افراد بشر هیچ‌گاه نمی‌توانند خویش را از سمت‌گیری رها کنند.»

نمایندگان برخی از سازمان‌های رسانه‌ای عمده جهان درباره‌ی لزوم تلاش برای رعایت عینیت در پوشش رویدادهایی چون جنگ، تروریسم و حقوق بشر، اظهارهایی دریافت داشته‌اند. رسانه‌های آمریکا در پوشش حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر چگونه عمل کرده‌اند، تا حدودی، رسانه‌های آمریکا را می‌توان به خاطر عینیت‌گرایی، ستود. مایکل گتler Michael Getler. مسئول امور حقوقی روزنامه واشنگتن پست در شماره‌ی مورخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۰ این روزنامه، مطبوعات آمریکا را به خاطر عملکرد فوق‌العاده‌شان در پوشش خبری حملات ۱۱ سپتامبر، مورد تقدیر قرار داد. او نوشت: «... چندین روزنامه آمریکایی با پوشش قوی، قاطع و خوب سازمان‌یافته رویدادی بی‌سابقه در سالیان دور، سنگ تمام گذاشته‌اند.» او اظهار داشت که «تولیزبون‌های خبری آمریکا نیز با مهارت و حرفه‌ای‌گرایی چشمگیر خود، گزارش‌هایی پخش می‌کردند که چشم برداشتن از آن دشوار بود و اطلاع از آن در یک چنین بحرانی، برای یک توده آگاه، جنبه‌ی حیاتی داشت.»

با وجود این، در عالم واقع، ارائه یک پوشش خبری منصفانه

و متعادل به کسانی که اقدامات بدون تمیز علیه انسانیت را سازماندهی یا اجرا می‌کنند، کاری است دشوار. بسیاری از روزنامه‌نگاران در این خصوص اشتراک نظر دارند. از نظر کارل اسمیت Karl Smith مدیر مسئول نشریه «باکس کاونتی کوریر تایمز» Bucks County Courier Times در حومه شهر فیلادلفیا. بعد از چنین رویداد سهمگین، عینیت‌گرا بودن کار بسیار دشواری است. اسمیت گفت: «ما باید واقع بین باشیم. آن روز بدترین روز ما بود. همانند سایر روزنامه‌های کشور، ما نیز عضو جامعه هستیم. عینیت‌گرا بودن تقریباً ناممکن است زیرا آنچه که اتفاق افتاد بسیار غم‌انگیز بود. جیمز مور James Mohr. معاون مدیرمسئول سانفرانسیسکو اگزامینر Examiner The San Francisco Examiner با این استدلال که «بسیاری از روزنامه‌نگاران وقتی که می‌گویند

عینیت‌گرایی وجود دارد، خودشان را فریب می‌دهند» وجود عینیت یا واقع‌گرایی را مورد تردید قرار داد. (لی، یو، Liu، ۲۰۰۱).

مایک کینگ Mike King. سردبیر جورنال. کانستیتوشن Journal Constitution آتلانتا. گفت: «درست یا نادرست، این اتفاق در کشور ما به وقوع پیوست و همین امر لحن گزارش را تغییر می‌دهد. (لی، یو، Kurtz، ۲۰۰۱). هوارد کورتس Howard Kurtz، ۱۱ اکتبر ۲۰۰۱. مجری برنامه هفتگی «منابع موثق» شبکه سی‌ان‌ان. که منصفانه بودن و عینیت‌گرایی در رسانه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و ضمناً برای واشنگتن پست نیز گزارشگری می‌کند، گفت: دوره بسیار دشواری برای رسانه‌هاست چرا که با چالش‌های بزرگی مواجه می‌شوند از قبیل این که آیا فیلم ویدئویی مربوط به دشمن را پخش کنند یا خیر و یا کدام اطلاعات مرتبط با تلاش‌های نظامی آمریکا را انتشار دهند. والتر ایساکسون Walter Isaacson در گفت‌وگویی با واشنگتن پست اظهار داشت که به کارکنان خود دستور داده است که تصاویر ویرانگری‌های غیرنظامی در شهرهای افغانستان را با نشانه‌های مربوط به اقدامات تروریستی طالبان متعادل کنند. او این‌طور استدلال کرد که «درست نیست که بیش از اندازه روی تلفات یا مشکلات افغانستان تمرکز کنیم. من می‌خواهم مطمئن شوم که از ما به عنوان یک سکوی تبلیغاتی استفاده نشود.» بیل ویتلی Bill Wheatley معاون بخش خبر شبکه تلویزیونی ان‌بی‌سی (NBC) اظهار داشت: «تلاش جنگی آمریکا در کانون توجه ما قرار

■ در جهانی که آکنده از ضربه‌ها و کشمکش‌های سیاسی است، عینیت رفته رفته جایگزین ذهنیت می‌شود.

■ نمایندگان برخی از سازمان‌های رسانه‌ای عمده جهان درباره لزوم تلاش برای رعایت عینیت در پوشش رویدادهایی چون جنگ، تروریسم و حقوق بشر، اخطارهایی دریافت داشته‌اند.

داشته است و این همان چیزی است که بینندگانمان انتظار دارند... در مورد عینیت و واقع‌گرایی و تعادل باید بگویم که ما از برخورد با این واقعیت که خسارات و تلفات خودی نیز وجود داشته و همه چیز کاملاً بر وفق مراد نبوده است، خجالت‌زده نیستیم.» (رجوع شود به <http://www.smh.com>، ۱۸ نوامبر ۲۰۰۱)

از سوی دیگر، کارین جیمز Caryn James گزارشگر نیویورک تایمز. تحلیل ساختگی ارائه شده از سوی CNN را مورد انتقاد قرار داد. او از سردبیران این شبکه انتقاد کرد. زیرا «به جای آگاه ساختن بینندگان از واقعیت‌های پیچیده و گهگاه تندی که به دانستن آن نیاز دارند، تحت تأثیر احساسات میهن‌پرستانه قرار گرفته‌اند.» در شبکه CNN، ژورنالیست‌ها معمولاً تشویق می‌شوند که هرگاه می‌خواهند راجع به تلفات غیرنظامیان بمباران افغانستان توسط نیروهای آمریکایی گزارش کنند، تعداد کشته‌شدگان ناشی از حملات یازدهم سپتامبر را نیز به بینندگان یادآور شوند. این کار CNN عینیت‌گرایی یا تعادل در پوشش خبری نیست. این یک سمت‌گیری کاملاً آمریکاگرایانه است. مایکلی کینزلی (۹ نوامبر ۲۰۰۱) در نسخه اینترنتی واشنگتن پست اظهار داشت: «منتقدان مطبوعات محافظه‌کار در مورد عینیت یا واقع‌گرایی و تعادل در ژورنالیسم آمریکایی، نگرانی دیگری دارند. آنان آن را نه عینیت‌گرایی یا تعادل بلکه بی‌طرفی می‌خوانند. ولی هر دوی آنها یکی است. این کار یعنی تلاش برای گزارش واقعیات بدون ایجاد یا دست‌کم بدون افشای یک اندیشه راجع به آنها. ولی در خصوص موضوع اسامه بن‌لادن، منتقدان مخالف بی‌طرفی و طرفدار سمت‌گیری. که در این مورد آن را میهن‌پرستی می‌خوانند هستند.»

تا حد معینی، رسانه‌های اصلی آمریکا به یک پایگاه مشتری دارای گرایش میهن‌پرستی ارائه خدمت کرده‌اند. در بسیاری از اتاق‌های خبر تلویزیون‌های سراسر کشور، گویندگان خبر و گزارشگران برای مدتی از سنجاق سینه‌های دارای طرح پرچم و روبان‌های میهن‌پرستانه استفاده می‌کردند. لوگوهای پرچم آمریکا و برخی سطرهای خبری در کانال‌های تلویزیونی از قبیل «آمریکا مقابله می‌کند» به منزله شعارهای میهن‌پرستانه هستند.

رسانه‌های خبری آمریکا، ملت این کشور را قهرمانانی توصیف می‌کنند که علیه افراطیون تروریست می‌جنگند. به گفته

جون کانر Joan Konner استاد ممتاز دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه کلمبیا: «برده‌ای از میهن‌پرستی تجویز شده، روی صفحات تلویزیون‌های خبری ما انداخته شده که همه چیز به جز برجسته‌ترین گزارش‌ها را مات می‌سازد.» کارفاکس نیوز Fox News نیز به یک میهن‌پرستی جدید کشیده شد. مجریان، تحلیل‌گران و گزارشگران این شبکه از «القاعده» به عنوان چماق به دست‌های تروریست یاد می‌کنند. از اسامه بن لادن به عنوان «هیولا» یا «آشغال» نام برده می‌شود.

یک توضیح ممکن برای این تصویر دستکاری شده میهن‌پرستی، در مقاله‌ای تحقیقی تحت‌عنوان «پروژه تازه‌ای برای تعالی روزنامه‌نگاری» که به بررسی پوشش خبری تروریسم بعد از ۱۱ سپتامبر پرداخته است، ارائه شده است. گزارش‌های بررسی شده بیشتر (به نسبت هشت به یک) نمایانگر

حمایت از اقدامات امریکا بود تا بیان دیدگاه‌های منتقدان و مخالفان (رجوع شود به جورکوویتس Jurkowitz، ۸ ژانویه ۲۰۰۲).

سؤال این است که آیا اشکالی دارد که رسانه‌ها طرفدار امریکا و مخالف اسامه بن لادن، طرفدار آزادی و مخالف تروریسم باشند. خیزش غرور ملی که از زمان حملات تروریستی، سرتاسر امریکا را فرا گرفته است بحث دشواری را درباره تعادل بین امنیت ملی، آزادی بیان، و میهن‌پرستی به راه انداخته است. عده‌ای ممکن است بگویند که میهن‌پرستی به منافع توده‌ها خدمت می‌کند و اشکالی ندارد که رسانه‌های خبری به طرفداری از ایالات متحده و ضمانت‌های آن در مورد زندگی، آزادی، شادزیستی، و آزادی بیان و مطبوعات عمل کنند. ولی در محافل ژورنالیستی این امر ناقض اصول اخلاقی تلقی می‌شود. صرف نظر از این که انگیزه عمل تا چه حد میهن‌پرستانه یا اصیل باشد، نمایش آزاد میهن‌پرستی ناقض مسئولیت رسانه‌ها مبنی بر بی‌طرف ماندن است. روی پیتز کلارک Roy Peter Clark محقق برجسته «انستیتو پوینتر» The Poynter Institute، که یک مؤسسه غیرانتفاعی تحقیقی، آموزشی ویژه روزنامه‌نگاران است، می‌گوید که اگرچه در چنین شرایطی، روزنامه‌نگاران وسوسه می‌شوند که تسلیم حس میهن‌پرستی بشوند، ولی آنان مسئولیت‌های خاص خودشان را دارند. به گفته کلارک: «... بهترین راه برای میهن‌پرستانه عمل کردن روزنامه‌نگاران این است که نقش دموکراتیک خویش را ایفا کنند و این به معنای اندکی بی‌طرفی

■ **رسانه‌های خبری امریکا، ملت این کشور را قهرمانانی توصیف می‌کنند که علیه افراطیون تروریست می‌جنگند.**

■ **خیزش غرور ملی که از زمان حملات تروریستی، سرتاسر امریکا را فرا گرفته است بحث دشواری را درباره تعادل بین امنیت ملی، آزادی بیان، و میهن‌پرستی به راه انداخته است.**

است، حتی در یک موقعیت اضطراری... مخصوصاً در یک موقعیت اضطراری». او افزود: «به عقیده من، این که گفته شود مطبوعات یا به طور کلی مفسران موظفند که میهن‌پرستی را به صراحت نشان دهند، غیردموکراتیک و غیرمیهن‌پرستانه است. در واقع، چنین وضعی، برای یک دموکراسی بسیار نامناسب و ناخوشایند خواهد بود.»

به گفته کلارک، نمایش آشکار میهن‌پرستی، ارزش واقعی ژورنالیسم برای دموکراسی را نشان نمی‌دهد. او گفت: «ما باید در برابر این وسوسه که به منظور نشان دادن میهن‌پرستی، لباس‌های سرخ، آبی و سفید بپوشیم، ایستادگی کنیم. ما باید رنگ‌های واقعی خویش را به عنوان روزنامه‌نگاران متخصص، مستقل و توانا که قویاً به فکر شهروندان، جوامع و کشورهای خود هستیم، نشان دهیم (رجوع شود به

<http://www.poynter.org>، ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱). در واقع، بهترین کار برای روزنامه‌نگاران این خواهد بود که صرفاً با ارائه بهترین الگوی ژورنالیسم، میهن‌پرستی خویش را به نمایش گذارند. ولی این کار ساده نیست. ماروین کلب Marvin Kalb، مدیر دفتر «مرکز شرونتاین دانشگاه هاروارد» در واشنگتن، می‌گوید: «گزارشگران اکنون با یک چالش بسیار دشوار مواجه هستند: در حالی که در انجام وظیفه خویش یعنی به کار بستن مقادیر مناسب ناشکیبایی، کنجکاوی و شکاکیت ژورنالیستی به پوشش خبری جنگی که در تاریخ امریکا سابقه ندارد، چگونه باید نسبت به احساسات یک ملت زخم‌خورده و میهن‌پرست حساس باشند. در واقع، ماروین کلب میان میهن‌پرستی یک گزارشگر و حرفه‌ای‌گرایی یک گزارشگر تناقضی مشاهده نمی‌کند. او می‌گوید: «روزنامه‌نگاران، هنگامی که همه اعلامیه‌ها و بیانه‌های دولت را در برابر آفتاب صداقت و بررسی صادقانه قرار می‌دهند و سپس بدون هیچ ترس و واهمه‌ای نتایج آن را بازتاب می‌دهند، عالی‌ترین نقش میهن‌پرستی را اجرا کرده و در بالاترین سطوح حرفه‌ای‌گرایی عمل می‌کنند. چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، وظیفه آنان همین است.»

یقیناً، در زمان جنگ، بسیاری از روزنامه‌نگاران استقلال و استانداردهای حرفه‌ای خویش را فدای حمایت از کشور خود می‌کنند، ولی هیچ‌گاه نباید پای‌بندی به صداقت و استقلال خود را از یاد ببرند. روزنامه‌نگاران از نظر اخلاقی مقید هستند به

حقیقت احترام بگذارند. آنان باید مسئولیت اقدامات خویش را بپذیرند و همبستگی حرفه‌ای ایجاد کنند.

حقیقت

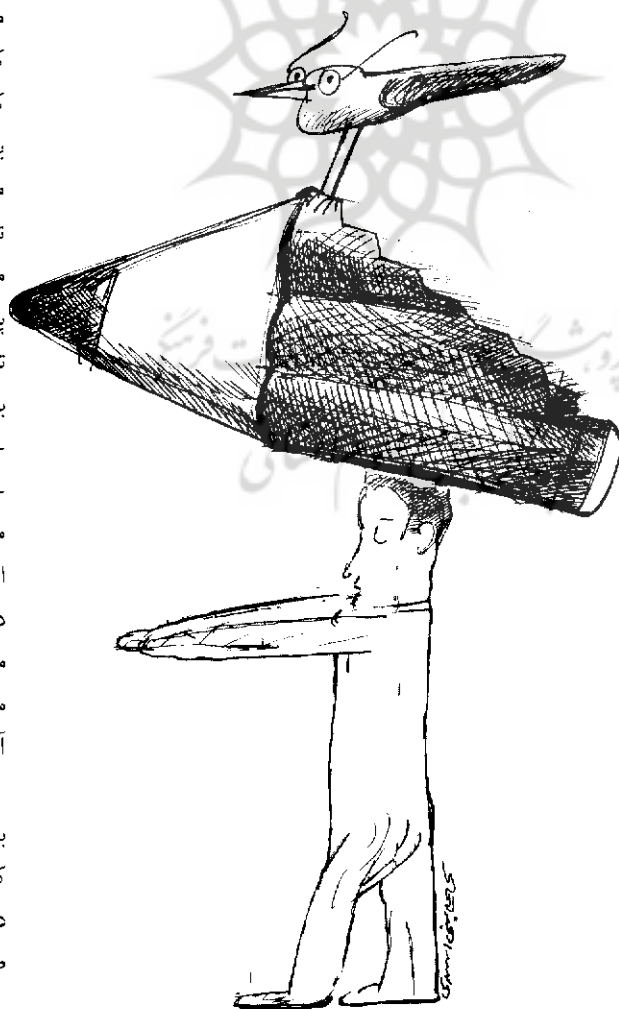
غالباً گفته شده است که «حقیقت» نخستین قربانی جنگ است. با وجود این، وظیفه اصلی روزنامه‌نگاران و سازمان‌های خبری باید جست‌وجوی حقیقت و گزارش کامل آن باشد. به گفته دکتر رابرت ام استیل Robert M. Steele، عضو برجسته هیأت علمی انستیتو پوینتر. روزنامه‌نگاران در یک جامعه دموکراتیک موظف هستند که به توده مردم درباره مسائل و رویدادهای عمده، آگاهی و آموزش دهند. به منظور انجام این مأموریت خطیر، ما باید دقت و مهارت کافی داشته باشیم تا بدانیم باید در جست‌وجوی

کدام حقیقت باشیم. دکتر استیل می‌گوید که در مورد گزارشگری پیرامون بیوتروریسم، اصل حقیقت‌جویی و حقیقت‌گویی ایجاب می‌کند که ما مهارت لازم را برای پی‌گیری دانش مورد نیاز داشته باشیم تا تضمین شود که گزارش‌های ما از لحاظ اطلاعات واقعی درست و از لحاظ متنی موثق است.

روی پتر کلارک، از انستیتو پوینتر، در تشریح نقش رسانه‌های خبری در زمینه یک حمله بیوتروریستی فرضی، خاطرنشان می‌سازد که روزنامه‌نگاران در مواقع اضطراری بهترین عملکرد را دارند و توان فراگیری سریع و اقدام فوری به نفع توده مردم در هسته مرکزی فرهنگشان قرار دارد. همچنین، او اظهار می‌دارد که درس‌های گرفته شده از دیگر انواع موارد اضطراری، از قبیل

■ در زمان جنگ، بسیاری از روزنامه‌نگاران استقلال و استانداردهای حرفه‌ای خویش را فدای حمایت از کشور خود می‌کنند، ولی هیچ‌گاه نباید پای‌بندی به صداقت و استقلال خود را از یاد ببرند.

■ غالباً گفته شده است که «حقیقت» نخستین قربانی جنگ است. با وجود این، وظیفه اصلی روزنامه‌نگاران و سازمان‌های خبری باید جست‌وجوی حقیقت و گزارش کامل آن باشد.



جنگ‌ها و غیره، را می‌توان در مورد بیوتروریسم به کار گرفت و این درس‌ها، تجربه و مهارت کافی در اختیار روزنامه‌نگاران قرار می‌دهد تا تحت فشار شدید، قضاوت‌های مطلوب ارائه دهند و در حالی که وحشت و هراس را کاهش می‌دهند، توده مردم را آگاه سازند. (۱۱ مارس، ۲۰۰۱).

به منظور کسب موفقیت در پی‌گیری حقیقت، دکتر استیل معتقد است که اصول راهنمای «استقلال» و «به حداقل رساندن صدمه و آسیب»، نقشی محوری ایفا می‌کنند. او گفت: «اگر بخواهیم در پی‌گیری حقیقت موفق شویم، نباید بگذاریم که عوامل خارجی‌ای که می‌توانند حرفه‌ای‌گرایی ما را تضعیف کنند یا کیفیت و یکپارچگی تولید تمام شده ما را از بین ببرند، ما را از تلاشمان باز دارند. ما باید به شدت از اعتبار خویش محافظت کنیم و تضمین کنیم که بیش از حد تحت تأثیر کسانی نیستیم که ممکن است با استفاده از قدرت یا موقعیتشان، ما را از خدمت به توده مردم باز دارند.» او مؤکداً می‌گوید که ما حتی اگر در پی‌گیری حقیقت، حالت تهاجمی نیز داشته باشیم، بایستی به‌طوری شایسته، حرفه‌ای عمل کنیم. او خاطرنشان ساخت: «رمز موفقیت روزنامه‌نگاران در این است که با به‌کارگیری هوش، دقت و مهارت و رفتار بسیار محترمانه با مردم در هر مرحله‌ای، میزان صدمه و آسیب را به حداقل برسانیم.» با همه اینها، راه‌های بسیاری وجود دارد که به کمک آن می‌توان بدون گفتن دروغ‌های آشکار، واقعیات را صادقانه تحریف کرد.

ساده‌ترین راه در این خصوص، برای یک روزنامه‌نگار این است که از یک مقام نقل قول کند و اگر این مقام دروغ بگوید، در آن صورت دیگر تقصیری متوجه روزنامه‌نگار نیست. خانم کارن دی‌یانگ Karen De Young دستیار سردبیر واشنگتن پست، در کنفرانس بروکینگزهاروارد راجع به «پوشش مطبوعاتی و جنگ علیه تروریسم» اظهار داشت: «هدف ما این است که تا آنجا که در توان داریم بکوشیم تا دقیق‌ترین گزارش درباره‌ی یک رویداد را به مردم ارائه دهیم. اگر هدف ما این باشد، در آن صورت نمی‌توانم موقعیتی را تصور کنم که در آن بخواهیم آگاهانه دروغ بگوییم و یا به نقل قول دروغ متوسل شویم بدون آن که دروغ بودن آن را اعلام کنیم یا علت توسل آن مقام به دروغ را توضیح دهیم.» علاوه بر آن، وی اظهار داشت که هدف ما یک هدف جفرسونی است. البته

اهداف این دموکراسی هنگامی تحقق خواهد یافت که مردم همه حقایق و واقعیات را در اختیار داشته باشند. و اگر برخی از بازیگران در موقعیتی خاص بخواهند اطلاعاتی ارائه دهند که مبتنی بر واقعیت نیست، در آن صورت بخشی از هدف ما باید درک این موضوع باشد که اطلاعات مزبور بر واقعیت مبتنی نیست و نیز توضیح دهیم که انگیزه‌ی یک فرد از دادن اطلاعات غیرواقعی چیست؟ (رجوع شود به کنفرانس بروکینگزهاروارد، ۱۶ ژانویه ۲۰۰۲).

انجمن روزنامه‌نگاران حرفه‌ای (SPJ)، بزرگ‌ترین سازمان روزنامه‌نگاری کشور، که بر آن شده است تا عملکرد آزاد روزنامه‌نگاری و ایجاد استانداردهای بالای رفتار اخلاقی را تشویق کند، در روز ششم اکتبر اعلام داشت که روزنامه‌نگاران باید به درستی و با بی‌طرفی کامل گزارش تنوع در جنگ را بیان کنند (رجوع شود به SPJ، ۶ اکتبر ۲۰۰۱). خانم سالی لرمین Sally Lehman، رئیس کمیته تنوع انجمن روزنامه‌نگاران حرفه‌ای اظهار داشت: «در دوران مهن پرستی پرشور و طراوت، اهمیت بسیار دارد روزنامه‌نگاران از تعهد خویش نسبت به جست‌وجوی حقیقت و بیان گزارش درست، دست برنمی‌دارند.»

رابرت لیجر Robert Leger، رئیس منتخب SPJ و دبیر سرویس مقالات «اسپرینگ فیلد نیوز لیدر». گفت: «کار رسانه‌های خبری جست‌وجوی حقیقت و گزارش آن از طریق ارائه اطلاعات هر چه بیشتر به آمریکاییان از منابع مختلف است.» از این رو،

■ **حفظ اسرار، بخش عمده‌ای از عملیات نظامی است حال آن که پنهان کردن اطلاعات برای یک گزارشگر، مایه نفرت است.**

■ **سرنوشت ارتش و رسانه‌ها ظاهراً طوری است که همواره با هم در تضادند.**

روزنامه‌نگاران هرگز نباید تعهد خویش را نسبت به جست‌وجوی حقیقت و بیان گزارش درست، از نظر دور بدارند.

تضاد بین رسانه‌ها و دولت دسترسی به اطلاعات در برابر مسائل محرمانه

در جریان بحران‌ها و در دوره جنگ، میان اشتیاق روزنامه‌نگاران به گزارش مناقشات و اقدامات نظامی و نگرانی‌های ارتش از بابت مسائل امنیتی، تنش دائمی پدید می‌آید. مسائل بسیار مهم بین رسانه‌های خبری و ارتش به دسترسی، سانسور، و گزارش به موقع اخبار از منطقه نبرد مربوط می‌شود. رسانه‌های خبری خواستار دستیابی کامل بوده و می‌خواهند گزارش‌های خود را به سرعت و بدون سانسور به اطلاع مردم برسانند. افسران ارتش، به دلایل امنیتی،

می‌خواهند اطلاعات را تحت کنترل قرار دهند. حفظ اسرار، بخش عمده‌ای از عملیات نظامی است حال آن که پنهان کردن اطلاعات برای یک گزارشگر، مایه نفرت است. همانند این اصل بدیهی غالباً تکرار شده که حقیقت نخستین قربانی جنگ است. نظر اف کالبرن ادامز، روزنامه‌نگار جنگ داخلی آمریکا، اصل تضاد بین ارتش و رسانه‌های خبری را به اختصار تبیین می‌کند. او معتقد است که در هر کشمکش، ترجیحاً در جبهه جنگ ولی مسلماً در افکار عمومی و کتاب‌های تاریخ، وظیفه ارتش جنگیدن و پیروز شدن است. از سوی دیگر، روزنامه‌نگار فردی شکاک، اگر نه بدبین است و می‌خواهد حقیقت را بیابد و گزارش کند و این وظیفه‌ای است که هر دو طرف غالباً آن را با جنگ موفقیت‌آمیز ناسازگار می‌دانند چرا که یک جنگ موفق به حفظ اسرار و فریبکاری و نیز استراتژی، تاکتیک، تسلیحات و نیروی انسانی برتر وابسته است (Kirtly، ۲۰۰۱). از این رو، سرنوشت ارتش و رسانه‌ها ظاهراً طوری است که همواره با هم در تضادند. رابرت سیمز Robert Sims، معاون مشاور مطبوعاتی سابق کاخ سفید، می‌گوید: «ما همواره به فکر حفظ اسرار ارتش بوده و هیچ‌گاه آن را از نظر دور نداشته‌ایم. البته نباید هم از نظر دور بماند.»

طی هزاران سال گذشته، رازداری از ابزار کارساز ارتش جهت حفظ برتری تکنولوژیکی و به حداکثر رساندن عامل غافلگیری بوده است. سانسور و فریبکاری و سابقه تلاش‌های گسترده دولت آمریکا برای کنترل اطلاعات مربوط به عملیات

نظامی به «جنگ انقلاب» برمی‌گردد. در جریان جنگ انقلاب، جرج واشنگتن اظهار داشت که گزارش‌هایی از روزنامه‌های چاپ نیویورک، تلاش‌های وی در میدان جنگ را تضعیف کرده است. در جریان جنگ داخلی، دولت ابراهام لینکلن به روزنامه‌نگاران اجازه داد تا نیروها را همراهی کنند اما او روزنامه‌ها را به دلایل سیاسی، سرکوب کرد. در جریان جنگ‌های جهانی اول و دوم، مقام‌های ارتش آمریکا گزارش‌های روزنامه‌نگاران از جبهه را سانسور می‌کردند و در عین حال، دولت دفاتر اطلاعاتی خاصی در کشور دایر کرد تا گزارش‌هایی را که احتمال داشت حمایت از کشمکش‌ها را افزایش دهد، تهیه کنند. در تاریخ معاصر، برخورد رسانه‌ها و ارتش در دوره ریاست جمهوری ریگان اتفاق افتاد و آن هنگامی بود که کاسپار واینبرگر، وزیر دفاع

آمریکا، اعلام داشت که به روزنامه‌نگاران اجازه داده نخواهد شد از عملیات حمله به جزیره گرانادا گزارش تهیه کنند.

مبارزه علیه اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر، بار دیگر روابط رسانه‌ها و ارتش از لحاظ دسترسی به اطلاعات و مسائل نظامی را دگرگون کرده است. دو هفته بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، سخنانی خطاب به خبرنگاران پنتاگون راجع به اولویت‌های متناقض در امنیت و دفاع از یک طرف و مطبوعات آزاد از طرف دیگر، ایراد نمود. رامسفلد قول داد اطلاعات طبقه‌بندی شده را که ممکن است شیوه‌ها و منابع اطلاعاتی را به مخاطره اندازد، از دسترس دور نگاه دارد. او همچنین علیه راه یافتن اطلاعات و اخبار به مطبوعات هشدار داد و به پرسنل نظامی و غیرنظامی یادآور شد که افشای اطلاعات نقض قانون فدرال است. وزیر دفاع آمریکا اظهار داشت که نقش مطبوعات آزاد را می‌داند ولی هدف از این هشدار، تشدید کنترل دفتر وی بر چگونگی پوشش خبری این جنگ و ممانعت بیشتر از روابط بین گزارشگران و منابع آنهاست (رجوع شود به Loeb and Graham ۲۳ اکتبر ۲۰۰۱).

او به رؤسای رسانه‌ها نیز هشدار داد که انتظار همکاری چندانی از پنتاگون نداشته باشند زیرا این نوع تازه‌ای از جنگ است که در آن رازداری حرف اول را می‌زند. او گفت: «در چنین جنگی، موفقیت حملات آمریکا عمدتاً به اصل غافلگیری بستگی دارد. به نفع کشورمان نیست که بگذاریم آنها بفهمند که ما چه

■ طی هزاران سال گذشته، رازداری از ابزار کارساز ارتش جهت حفظ برتری تکنولوژیکی و به حداکثر رساندن عامل غافلگیری بوده است.

■ سانسور و فریبکاری و سابقه تلاش‌های گسترده دولت آمریکا برای کنترل اطلاعات مربوط به عملیات نظامی به «جنگ انقلاب» برمی‌گردد.

وقت، چگونه و حتی چرا به برخی عملیات دست می‌زنیم».

به گفته مایکل گتزر، کارشناس حقوقی واشنگتن‌پست، رامسفلد چالش سهمناکی فراراه تلاش مطبوعات برای پوشش خبری نیروها و اقدامات آمریکا قرار داد. (۲۸ اکتبر ۲۰۰۱). جوآن اُسترو Joanne Ostrow از نویسندگان روزنامه دنورپست Denver Post گفت: «کنفرانس خبری تلویزیونی وزیر دفاع مطالب بسیاری راجع به رسانه‌ها و ارتش، مطبوعات و دولت در حالت جنگی، بیان کرد.»

پنتاگون همچنین دسترسی گزارشگران به نیروهای آمریکایی در مناطق جنگی را محدود ساخت. براساس نامه‌ای که از سوی ویکتوریا کلارک، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، برای لاری فلینت، ناشر مجله هاستلر Hustler، ارسال شده بود، پنتاگون درخواست

وی را مبنی براین که به نویسندگان اجازه داده شود، نیروهای نظامی را در مأموریت‌های جنگی همراهی کنند، رد کرد. علت رد شدن این درخواست، ماهیت ویژه و خطرناک این عملیات ذکر شد.

خود رئیس جمهور بوش گفته است که بخش اعظم جنگ علیه تروریسم دور از چشم توده مردم انجام خواهد گرفت که احتمالاً منظورش این است که فقط معدودی جبهه جنگ، فرصت‌های اندک تهیه فیلم و عکس و نیز توضیحات اندکی راجع به جنگ وجود خواهد داشت (رجوع شود به جورکوویتس، ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۱).

به علاوه، در مقابله با تروریسم در نقاط مختلف جهان، جرج بوش دستور داد که گزارش‌های توضیحی حساس به هشت تن از ۵۳۵ عضو کنگره محدود شود و این امر باعث شد که قانونگذاران بگویند که بوش قانون امنیت ملی ۱۹۴۷ را نقض کرده است.

نمایندگان رسانه‌ها و طرفداران بازتر بودن فضای دولت اظهار داشتند که سرکوب اطلاعات توسط دولت آمریکا به اعتبار پنتاگون لطمه می‌زند و گزارشگران را ناگزیر می‌سازد تا از طرق غیرقانونی در صدد کسب اطلاعات پیرامون عملیات جنگی برآیند. در حالی که به هیچ خبرنگاری اجازه داده نمی‌شود در صحنه عملیات، که در آن از بمب و موشک استفاده می‌شود حضور داشته باشد، خبرنگاران بسیاری در نقاط مرزی کشورهای مجاور تجمع کرده و گزارش‌های خویش را صرفاً به شایعاتی که

راجع به جنگ گفته و شنیده می‌شود، محدود سازند. در چنین شرایطی، بیانیه‌های رسمی به صورت منبع اصلی اخبار در می‌آیند.

گزارشگران از عدم دسترسی به اطلاعات و نیز اعمال کنترل شدید دولت بر اطلاعات، نگران هستند. تام ریکس - خبرنگار واشنگتن پست در وزارت دفاع - می‌گوید: «تقریباً همه رویدادهای کلیدی این جنگ، از سقوط مزار شریف گرفته تا آنچه که واقعاً در توره بوره صورت گرفت، و تا آنچه که هم اکنون در تلاش برای یافتن اعضای القاعده انجام می‌پذیرد، دور از چشم رسانه‌ها صورت می‌گیرد (رجوع شود به گنتر، ۳ فوریه ۲۰۰۲). بیل کواج و تام روزنتیل - گزارشگران نیویورک تایمز - می‌نویسند: «ما (خبرنگاران) راجع به اقدامات خطرناک سربازان، چگونگی تجهیزانشان، نحوه پشتیبانی‌شان، و نیز چگونگی فرماندهی‌شان اطلاعات دست

اول بسیار اندکی در اختیار داریم. ما راجع به استانداردهای عملیاتی که در این نوع تازه جنگ به کار گرفته می‌شود تقریباً هیچ چیز نمی‌دانیم.» (۲۹ ژانویه ۲۰۰۲).

اس رابرت لیچتر - رئیس «مرکز رسانه‌ها و امور عمومی» واشنگتن - گفت که از مجادله بر سر گزارش مورخ ۲۸ سپتامبر روزنامه یواس ای تودی USA Today که گفته بود نیروهای ویژه آمریکا از دو هفته پیش در افغانستان سرگرم عملیات بوده‌اند، در شگفت مانده است. (این گزارش یادآور شد که این تحرکات نیروها پیش از آن در مطبوعات پاکستان گزارش شده بود و مقام‌های پاکستانی و امریکایی آنها را تأیید کرده بودند.) لیچتر افزود: جریان جنگ بدین سان باید گزارش شود. این جنگی است که قرار است در سایه ادامه یابد و گزارش‌های آن نیز به صورت درگوشی ارائه شود.»

بیل کواج - رئیس کمیته روزنامه‌نگاران نگران (CCJ) و رئیس دفتر نیویورک تایمز در واشنگتن - گفت: «شماری از روزنامه‌نگاران و روزنامه‌نگاران سابق هستند که از بابت چگونگی پیشبرد رابطه بین مطبوعات و دولت بر مبنای معقولی که بتواند بدون به خطر انداختن امنیت ملی، اطلاعات مورد نیاز را در اختیار مردم قرار دهد، بسیار نگرانند.» کواج و روزنتیل، ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲.

در کنوانسیون ملی ششم اکتبر انجمن روزنامه‌نگاران حرفه‌ای (SPJ)، رابرت لیچتر - رئیس منتخب این انجمن - به

■ در تاریخ معاصر، برخورد رسانه‌ها و ارتش در دوره ریاست جمهوری ریگان اتفاق افتاد و آن هنگامی بود که کاسپار واینبرگر - وزیر دفاع امریکا - اعلام داشت که به روزنامه‌نگاران اجازه داده نخواهد شد از عملیات حمله به جزیره گرانادا گزارش تهیه کنند.

خبرنگاران گفت که فشار دولت برای کاهش تبلیغات یا سرکوب اطلاعاتی که امکان دسترسی به آن در جایی دیگر وجود دارد، را نپذیرند.»

در قطعنامه این کنوانسیون آمده بود: «در دوران بحران‌های ملی، این که روزنامه‌نگاران بدون تسلیم شدن در برابر فشار مقام‌های دولت مبنی بر خودداری از پخش اخبار و اطلاعات برای مردم، مسئولان کشور را پاسخگو بدانند، امری است بسیار حایز اهمیت. انجمن روزنامه‌نگاران حرفه‌ای مصرانه از تمام رسانه‌ها خواست تا مطابق قضاوت خبری مستقل خود عمل کرده و تلاش‌های آشکار برای اعمال نفوذ در اطلاعاتی که برای مردم منتشر می‌سازند، را رد کنند. قطعنامه مربوط به کسب اطلاعات - که توسط کمیته آزادی اطلاعات انجمن روزنامه‌نگاران حرفه‌ای تهیه شد - به بحث

پیرامون انتشار اسامی کسانی که در امریکا به عنوان تروریست‌های مظنون دستگیر و بازداشت می‌شوند، گرفتن به موقع نام زخمی‌ها و کشته‌شده‌ها، برحذر داشتن مقام‌های ارتش از بررسی قبل از انتشار اخبار و گزارش‌ها به دلایل امنیتی، و مسائل متعدد دیگری که ممکن است کار روزنامه‌نگاران را با مانع روبه‌رو کند، پرداخت. انجمن روزنامه‌نگاران حرفه‌ای اعلام داشت که در مورد یک بیانیه اصولی خطاب به کنگره و دولت بوش، با ائتلافی از سازمان‌های ژورنالیسم به همکاری ادامه خواهد داد.

به گفته استیفن ام گریفین - استاد حقوق دانشگاه تولین و از کارشناسان مسائل مربوط به قانون اساسی - گزارش در سنگرها از دست کم زمان جنگ‌های داخلی، از عوامل مهم پوشش خبری جنگ در ایالات متحده بوده است. گریفین گفت: «توده مردم به کسب اطلاعات درباره این که سربازان به چه می‌اندیشند و کارشان چگونه است علاقه مند هستند. مردم می‌خواهند بدانند که چه سرنوشتی در انتظارشان است، البته آنان می‌خواهند بشنوند که آیا عملیات نیروهایشان موفقیت آمیز خواهد بود.» گریفین ضمن تأکید بر اهمیت آگاهی رساندن به مردم امریکا، افزود: «... شما باید استقلال عمل داشته باشید. و در واقع، همین استقلال عمل است که قانون اساسی به هر حال آن را تضمین می‌کند.»

در درون خود صنعت خبر، در خصوص این که مطبوعات آزاد و امنیت ملی در کجا تلاقی می‌کنند، بحث داغی جریان دارد.

باب دایبل - دبیر اجرایی روزنامه یواس ای تودی - درباره انتشار این بیانیه که نیروهای امریکایی از دو هفته پیش در افغانستان در حال انجام عملیات بوده‌اند، اظهار داشت: «ما نسبت به این مسأله که نیروهای امریکایی ممکن است به خطر بیفتند حساس بودیم ولی فکر می‌کردیم این داستان ارزش گزارش شدن را دارد... اینها تصمیماتی است که به سادگی اتخاذ می‌شود... این یک گزارش قضایی بود... فکر می‌کنم پاکستانی‌ها و بن لادن می‌دانند که در آنجا چه اتفاقاتی رخ می‌داد.» ماروین کلب - رئیس دفتر مرکز مطبوعات، سیاست و خط مشی عمومی جون شورنستاین هاروارد (Harvard's Joan Shorestein Center on the Press, Politics, and Public Policy) در واشنگتن - اظهار داشت که این گزارش با دقت بسیار نگاشته و تنظیم شد. به اعتقاد من،

این گزارش، نمونه نوعی پوشش خبری مطلوب است که امیدواریم با توجه به ماهیت این جنگ، ارائه دهیم.» ولی تام روز نستیل - دبیر اجرایی پروژه تعالی در روزنامه‌نگاری Project for Excellence in Journalism به گونه‌ای دیگر واکنش کرد. او گفت: «صرفاً هر چیزی را که بتوان تأیید کرد، نمی‌توان انتشار داد... دادگاه‌ها اعلام کرده‌اند که بدون اصل آزادی بیان، وقتی که پای امنیت ملی به میان می‌آید، دولت حق دارد محدودیت‌های اولیه وضع کند.»

به گفته باب وود وارد - گزارشگر واشنگتن پست - جنگ به رازداری و حفظ اسرار نظامی نیاز دارد؛ یک جنگ اطلاعاتی، مستلزم حتی رازداری بیشتری نیز هست. هیچ کس - از جمله رسانه‌ها - نباید از رازداری ضروری دولت دلخور باشد. موازنه رازداری و اعتماد در دوره آینده، کار بسیار دشواری خواهد بود. به طوری که رئیس جمهور ریگان گفت: «اعتماد داشته باش اما درباره اش تحقیق کن.» نخستین تلاش برای تحقیق باید توسط بوش و دارودسته اش صورت گیرد. آنان باید این سؤال را مطرح کنند: «آیا کامل‌ترین نمونه ممکن خبر - از جمله خبر ناخوشایند، از قبیل خطرات واقعی حملات محتمل آینده - به مردم ارائه می‌شود؟ اگر این طور نیست، آنان باید سابقه دولت در مورد اعتماد راروشن سازند. تلاش نهایی توسط تاریخ صورت خواهد گرفت. صدای امریکا (VOA) که یک سازمان رادیویی بین‌المللی مورد حمایت دولت فدرال است، تصمیم گرفت گزارشی را که شامل

■ نمایندگان رسانه‌ها و طرفداران بازتر بودن فضای دولت، اظهار داشتند که سرکوب اطلاعات توسط دولت آمریکا به اعتبار پنتاگون لطمه می‌زند و گزارشگران را ناگزیر می‌سازد تا از طرق غیرقانونی در صدد کسب اطلاعات پیرامون عملیات جنگی برآیند.

بخش‌هایی از یک مصاحبه نادر با ملامحمد عمر - رهبر طالبان حاکم بر افغانستان - بود، پخش نکند. این تصمیم هنگامی اتخاذ شد که ریچارد آل ارمیتج - معاون وزارت خارجه - و مقام‌های برجسته شورای امنیت ملی با اعضای هیأت مدیره صدای امریکا تماس گرفته و ابراز نگرانی کردند که مبادا پخش این مصاحبه به مثابه اعطای سکوی تبلیغاتی به تروریست‌ها باشد. تصمیم به عدم پخش این گزارش، خشم کارکنان صدای امریکا را برانگیخت. یک نویسنده رادیو امریکا که نخواست نامش ذکر شود، گفت: «من شگفت زده شدم. کاملاً شگفت زده. این کار با اصل اخلاق روزنامه‌نگاری منافات دارد (رجوع شود به ناکاشیما، ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۱).

مایکل گتler (۴ نوامبر ۲۰۰۱) گفت: «رازداری و زمان جنگ از هم جدا نیستند. توده مردم بدان واقفند. سازمان‌های خبری نیز همین طور. اما امریکا به عنوان یک تمدن فرازوشیب‌هایی را در مورد اطلاعات و یک توده آگاه متحمل شده است. بنابراین، چالش ایام بحران، یافتن موازنه درست است: هر رازی را که واقعاً نیازمند دورنگاه داشتن از کسانی است که ممکن است به مازیان برسانند، محفوظ نگاهدارید، ولی به آزادی بیان که بزرگ‌ترین قدرت دموکراسی است، ضربه‌ای وارد نسازید و اعتماد به یک جامعه آگاه برای حمایت از تصمیم درست را از دست ندهید.»

گتler افزود که این دولت، بیش از اندازه با رازداری و پنهان کاری عجین شده است. مثل یک علامت تجاری که به مرور زمان بیشتر مظهر زیان است تافایده. او می‌نویسد: «در جبهه جنگ، بمباران افغانستان تشابه و یکنواختی رخوت آور و بی‌جانی به خود گرفته است که گهگاه با یک گزارش طالبان راجع به تلفات غیرنظامی، مورد تأکید قرار می‌گیرد. هنوز هم هیچ گزارشگری با نیروی زمینی امریکا همراه نیست، و هیچ گروهی از سخنگویان آگاه به غیر از دونالد رامسفلد، وزیر دفاع امریکا، هیچ ارزیابی مسوطی از بمباران‌ها و نبرد، هیچ گزارش توجیهی یا مصاحبه‌ای در صحنه عملیات مشاهده نمی‌شود. همه چیز باید از کانال پنتاگون بگذرد که در آن در لفافه پیچیدن خبرها آسان تر است.» او چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «فراخوان دسترسی بیشتر به اطلاعات، آزادی و پاسخگویی نباید با ناشکیبایی و ساده‌لوحی اشتباه گرفته شود. استراتژی‌های دولت در مورد جنگ و مقابله با ترور شاید تأثیرگذار بوده و بدون شک شایسته مدت زمانی

طولانی تر باشد. ولی رازداری و پنهان کاری می تواند اثراتی متناقض داشته باشد. تا حد معینی مفید است ولی مقدار بیش از حد آن، مخصوصاً اگر در مسیر نادرست پیش برود، مانع دستیابی به موفقیت می شود.»

در حالی که بحث بر سر این که چه مقدار پوشش خبری لازم است بدون آن که زندگی عمومی به خطر افتد، رسانه ها و نیز ارتش با چالش های سهمناک نوع کاملاً متفاوتی از جنگ رویارو می شوند. در عصر ارتباطات آبی - به کمک کامپیوترهای کیفی، اینترنت، تلفن های ماهواره ای و ماهواره های بازرگانی - مسأله حفاظت از اطلاعات که از لحاظ امنیت ملی جنبه حیاتی دارد، رفته رفته بیش از پیش اهمیت پیدا می کند. دو روز بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، سنای آمریکا قانونی را از تصویب گذراند که به موجب آن صدور حکم جلب برای جاسوسی نقل و انتقالات

کامپیوتری برای پلیس اف بی آی آسان تر شد. لایحه ضد ترور احتمالاً به نحو بارزی توان اجرای قانون را افزایش خواهد داد و سازمان های اطلاعاتی برای ضبط مکالمات تلفنی، شنود ارتباطات اینترنتی و تشریک اطلاعات در میان خود، امکانات بیشتری خواهند یافت. ریچارد ای گپارت - رهبر دموکرات های مجلس نمایندگان - گفت: «ما در جهان تازه ای هستیم که در آن باید در موازنه بین آزادی و امنیت تجدیدنظر کنیم.» (رجوع شود به Pianin Edsall ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱) این نوع کنترل امتیازات عنوان شده کاربری رسانه ای ابزارهای پیشرفته ای چون کامپیوتر کیفی، تلفن های سلولی، عکاسی دیجیتالی، ویدئوفون، و پخش زنده برنامه های تلویزیونی از منطقه جنگ را کاهش می دهد.

به علاوه، بعد از رویدادهای ۱۱ سپتامبر و به نام افزایش امنیت، دسترسی به سوابق عمومی نیز در بسیاری از ایالت ها محدود می شود.

در مریلند، «پریش ان گلندنینگ» فرماندار اخیراً لایحه ای تقدیم داشت که در صورت تصویب، به یک مقام دولتی امکان خواهد داد که مانع دسترسی به سوابق امنیت عمومی شود البته در صورتی که مقام مورد نظر تشخیص دهد که بررسی این اطلاعات ممکن است برای توده مردم یا منافع آنان خطر آفرین باشد (رجوع شود به Le Duc، ۲۳ ژانویه ۲۰۰۲). در ویرجینیا، سه قانونگذار پیشنهاد داده اند که از طریق محدود ساختن اطلاعاتی که مطبوعات و توده مردم می توانند طبق قانون آزادی اطلاعات این ایالت به دست

■ در جریان جنگ های جهانی اول و دوم، مقام های ارتش امریکا گزارش های روزنامه نگاران از جبهه را سانسور می کردند.

آورند، اطلاعات مرتبط به تروریسم را محدود کنند. لوایح مورد نظر، در صورت تصویب، به مقام های دولتی امکان خواهد داد که اگر تشخیص دهند که فاش کردن برخی اسناد به زیان توده مردم خواهد بود، آنها را به صورت محرمانه نگاهداری کرده و در اختیار کسی قرار ندهند. این پیشنهادها با تدابیر معمول در چندین ایالت دیگر شباهت دارد.

روزنامه نگاران نگران هستند که مبادا این تدابیر ضد تروریستی، دولت را قادر سازد که ترس از تروریسم را برای حفاظت از مقام های مسئول در برابر بازبینی عمومی، دستاویز قرار دهد. یک سرمقاله سانفرانسیسکو کرونیکل (۶ ژانویه ۲۰۰۲) اهمیت حق آگاهی مردم را مورد تأکید قرار داده است. در این مقاله می خوانیم: «هیچ کس شکی ندارد که ما باید از امنیت ملی حفاظت به عمل آوریم. همه ما می خواهیم که کشور خویش را از گزند اقدامات تروریستی مصون نگاه داریم. ولی هیچگاه نباید بگذاریم که حق آگاهی مردم که طبق قانون آزادی اطلاعات تضمین شده است، به خاطر مصلحت رسمی، سرکوب شود.»

روزنامه نگاران از بابت محدودیت اطلاعات نگران هستند. حصول موازنه بین رازداری و پنهان کاری ضروری ارتش و گزارش حقایق، دشوار خواهد بود. کارشناس حقوقی واشنگتن پست نوشت در حالی که کشور، خود را برای جنگ آماده می سازد، مطبوعات احتمالاً با شدیدترین و بزرگترین آزمون خود در یک جامعه آزاد مواجه خواهند شد. جون استرواز روزنامه دنورپست می گوید: «باید به رسانه ها اجازه داده شود که به عنوان یک دیده بان مراقب دولت، انجام وظیفه کنند و حتی در زمان جنگ، شهروندان را از لحاظ اطلاعات یاری رسانند.» (۲۷ سپتامبر ۲۰۰۱).

سوالات عمده ای که مطرح می شود بدین قرار است: با توجه به اعمال این محدودیت ها، رسانه ها چگونه خواهند توانست نقش خود را به صورتی کارساز ایفا کنند؟ روزنامه نگاران، و در نتیجه توده مردم، در زمان جنگ تا چه اندازه حق دریافت اطلاعات دارند؟ آیا باید بگذاریم که مسائل امنیت ملی عنوان شده از سوی دولت، حق یا نیاز توده مردم به آگاهی را منکوب کند؟ پاسخ ها یا رهنمودهای آسانی برای این پرسش ها وجود ندارد.

ماروین کلب (۱۱ اکتبر ۲۰۰۱) می گوید که مطبوعات خود را در دام وحشتناکی گرفتار می بیند: «مطبوعات می خواهد اهداف

حرفه‌ای خود در راستای پوشش یک ماجرای پیچیده را به شکلی قوی دنبال کند، با وجود این، در دوره‌ای از میهن‌پرستی افراطی، از مورد سؤال قرار دادن یا انتقاد کردن از دولت برحذر داشته می‌شود.»

تا آنجا که به تصویر عامه مردم از مطبوعات مربوط می‌شود، یک نظرسنجی که بعد از ۱۱ سپتامبر توسط «مرکز تحقیقاتی پیو» Pew Research Center انجام گرفت، نشان می‌دهد که بیشتر مردم مطبوعات را «حرفه‌ای، اخلاقی، میهن‌پرست و دلسوز» می‌دانند. از نظر ۶۰ درصد مردم، مطبوعات نهادی است که از دموکراسی حمایت می‌کند. ولی در عین حال، بیش از نیمی از کسانی که توسط مرکز تحقیقاتی پیو مورد تحقیق قرار گرفتند، اظهار داشتند که دولت باید

قادر باشد اخباری را که مغایر امنیت ملی تشخیص می‌دهد، سانسور کند.

آنچه که رسانه‌ها باید در هنگام وقوع بحران‌ها و کشمکش انجام دهند در قطعنامه صادر شده توسط نمایندگان انجمن روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، به روشنی مشخص شده است. خبرنامه SPJ (۱۶ اکتبر ۲۰۰۱). در این قطعنامه می‌خوانیم: «در موارد وقوع بحران‌های ملی، حایز اهمیت بسیار است که روزنامه‌نگاران، مسئولان کشور را پاسخگو قرار دهند و به هیچ‌وجه در برابر فشارهای مقامات دولت برای عدم ارائه اطلاعات به مردم، تسلیم نشوند.» بدین‌منظور، روزنامه‌نگاران نیازمند تخصص و تعهد نسبت به آگاهی دادن، مشارکت دادن، و آموزش مردم راجع به مسائل و رویدادهای قابل ملاحظه هستند. در پوشش خبری رویدادهای مرتبط با بحران‌ها و کشمکش‌ها، هر چه روزنامه‌نگاران منضبط‌تر و باهوش‌تر باشند، بهتر خواهند توانست در برابر تلاش‌های ارتش برای کنترل یا سانسور اطلاعات ایستادگی کنند.

با همه اینها، روزنامه‌نگاران باید بدانند که ممکن است شرایط فوق‌العاده‌ای وجود داشته باشد که طی آن دولت بخواهد برای طرفداری از امنیت عملیاتی یا حفظ جان افراد، موقتاً از سانسور استفاده کند. در چنین شرایطی، یک روزنامه‌نگار مسئول باید سعی کند مردم را به نحو مناسبی در جریان اخبار جنگ قرار دهد، بدون آن که کمکی به دشمن کرده باشد یا امنیت عملیاتی و جان

■ رسانه‌ها در زمان جنگ مسئولیتی دوگانه دارند: جست‌وجوی حقیقت و گزارش هرچه کامل‌تر، صادقانه‌تر و منصفانه‌تر آن؛ و این که جنبه رقابتی ماهیت فعالیت‌شان به نقض علایق امنیتی مشروع منجر نمی‌شود.

سربازان را به مخاطره اندازد. در مواقع بحران یا جنگ، بهترین راه حل برای رسانه‌های خبری و دولت این خواهد بود که به جای یک رابطه خصمانه، رابطه‌ای صمیمانه برقرار کنند. رابطه‌ای که به موجب آن هر دو طرف نیازها و نقش‌های همدیگر را شناخته و سعی کنند منافع توده مردم و منافع کشور را مدنظر داشته باشند.

بدین ترتیب، رسانه‌ها در زمان جنگ مسئولیتی دوگانه دارند: جست‌وجوی حقیقت و گزارش هرچه کامل‌تر، صادقانه‌تر و منصفانه‌تر آن؛ و این که جنبه رقابتی ماهیت فعالیت‌شان به نقض علایق امنیتی مشروع منجر نمی‌شود. □

* انجوگراور چودری، دانشیار دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه هاروارد آمریکا

**This Paper was presented at the 11 th "AMIC Annual Conference, on "Media, Terrorism and a Culture of Peace" Fremantle, Australia, 26-28 June 2002.

منابع:

Allen, M., & DeMoraes, L. (2001, October 11). TV networks to limit use of tapes from bin Laden: White House to reinstate some congressional briefings. The Washington post, p, A8.

Branson, L. (2001, December 19). U.S. Media pumping patriotic fervour, The Straits Times (Singapore).

Brookings/Harvard Forum (2002, January 16). Press Coverage and the war on terrorism: the propaganda war: Is America effectively telling its side of the story in the anti-terrorism campaign?

Clark, R. P. (2001, March 11). Bioterrorism and media understanding. Poynter.org. (<http://www.poynter.org/centert-piece/031101.htm>).

San Francisco Chronicle (2002, Januray 6). Editorial.

Getter, M. (2001, September 16). Extraordinary newspapering. The Washington Post.

Getter, M. (2001, October 21). Giving a hoot. The

- advocate calls Glendening plan "A Disaster". The Washington Post, p. B04.
- Liu, B. (2001, October). Objectivity under pressure. Thunderbird Magazine. (<http://www.journalism.ubc.ca/thunderbird/2001-02/october/objectivity.html>).
- Loeb, V. (2001, September 26). Rumsfeld says war will need backing of "Revolving Coalitions." The Washington Post.
- Loeb, V., & Graham, B. (2001, October 23). Rumsfeld assails leaks on troops: Secretary's warning to Pentagon staff may spur friction with media. The Washington Post, p. A3.
- Nakashima, E. (2001, September 29). Broadcast with Afghan leader halted: State Department pressures Voice of America not to air voice of the Taliban. The Washington Post.
- Ostrow, J. (2001, September 27). The right to truth at war. The Denver Post.
- Pianin, E., & Edsall, T.B. (2001, September 14). Terrorism bills revive civil liberties debate. The Washington Post, p. A16.
- Sims, R. (2001). War without witnesses. Media Studies Journal, Summer, pp. 46-51.
- Smh.com (2001, November 18). Are Americans getting the full picture? (<http://www.Smh.com.au/news/01/11/18world/world2.html>).
- Society of Professional Journalists (2001, n.d.). Media should carefully weigh government requests regarding coverage of U.S. war on terrorism. SPJ News Release. (<http://www.spj.org/news.asp?ref=38>).
- Society of Professional Journalists (2001, October 6). SPJ convention delegates pass three resolutions on coverage of America's war on terrorism. SPJ News Release. (<http://www.spj.org/news.asp?ref=36>).
- Steele, R.M. (2001, January 1). Ethics in journalism and bioterrorism. Poynter. Org. (<http://www.poynter.org/dj/Faculty/BoBl.htm>).
- Walker, D. (2001, October 1). Operation enduring Journalism: News Organizations balance the Pentagon's desire for secrecy with the public's right to know. The Times-Picayune (New Orleans), p.1.
- Woodward, B. (2001, October 25). A test of Government's trustworthiness. The Washington Post, p. A3 1.
- Washington Post
- Getter, M. (2001, October 28). The formidable Mr. Rumsfeld. The Washington Post.
- Getter, M. (2002, February 3). The President and the Post. The Washington Post.
- Group Leader, Ethics & Diversity (2001, September 20). A Pledge of Allegiance for Journalists. Poynter, Org. (<http://www.poynter.org/Terrorism/bob8.htm>).
- Harwood, R. (2000, n.d.). When reporters become producers of meaning. The Washington Post.
- Isaacson, W. (2001). CNN says focus on civilian casualties would be "Perse". FAIR.-ActionAlert. (<http://www.fair.org/activism/cnn-casualties.html>).
- Jurkowitz, M. (2001, September 29). The media report puts press under attack. The Boston Globe.
- Kalb, M. (2001, October 11). Whose side are we on? The Washington Post. (Editorial), p. A33.
- Kalb, M. (2001, October 17). How to cover a war. The New York Times (Editorial), p. A3 1.
- Kinsley, M. (2001, November 9). The rush to pressure the press: Is media objectivity suddenly a bad thing? The Washington Post, A 37.
- Kirtley, J. (2001). Enough is enough. Media Studies Journal. Summer, pp. 40-45.
- Konner, J. (2002, January 9). Eye on the media: Media's patriotism provides a shield for Bush. Newsday.
- Kovach, B., & Rosenstiel, T. (2002, January 29). In wartime, the people want the facts. The News York Times, p. A21.
- Kurtz, H. (2001, October 11). Media ethics during the war on terrorism, CNN.com./ CO TY. (<http://asis.cnn.com/2001/Coty/10/11/kurt7J>
- Kurtz, H. (2001, November 29). Press takes a step up in the public's opinion: But poll finds majority support government restrictions on war coverage. The Washington Post, pp. C 1, C4.
- Lancaster, J. (2001, September, n.d.). Senate Democrats, White House reach a deal on Anti-Terror Bill: U.S. ability to wire-tap, monitor E-Mail would be enhanced. The Washington Post.
- LeDuc, D. (2002, January 3). Md., Va. Consider limits on public record; Restrictions sought after terror attacks; Press